

## ريشه تٲليث

(اين نوشتار به وحى الهى ست)

کسانیکه در آئین میترائیسم مطالعه عمیق دارند اینرا بخوبی میدانند که خدای واحدی که ما هستیم در عالم بالا دارای فرزندی موسوم به میترا میباشیم. در زمانیکه مسیح به مأموریت الهی اش پایان داد فردی بنام شمعون یا پطرس را بعنوان جانشین خود منسوب کرد. پس از رحلت پطرس آئین مسیحیت دچار چالشی شدید شد و مسیری را که مسیح گشوده بود بدست دیگرانی که در کفر و ناراستی دست و پا میزدند به انحراف کشانیده شد. این انحراف بدست فردی بنام پولس و دیگرانی از سلک او وارد مسیحیت شد و در زمانیکه آخرین پادشاه روم بتوسط نیروهای عثمانی مغلوب شد آئینی که ابتدا در کلیسای انطاکیه ترویج گردید بود تثبیت بیشتری را تجربه کرد. این آئین که از مسیحیت فاصله بسیار داشت برگرفته از میترائیسم بود و بسیاری از مبانی را که به میترائیسم اختصاص داشت از آن خود میساخت. فرضیه ای که بعنوان تثلیث رواج یافته بود مسیحا را در کنار پدر آسمانی نشان میداد در حالیکه وجود سومی نیز موسوم به روح القدس با استقرار در دلهای ایمانداران با خدای پدر و پسر در یک سطح قرار میگرفت. ما پروردگار این را به صلاح بشریت دانستیم و بر آن شدیم تا نام شهریارمان را از آئین میترائیسم برگیریم و اعتقاد باو را برای دوره آخرالزمان باقی گذاریم. دورانی که در پیش است نوعی تازه از چنین اعتقادی را بمیان میآورد هر چند که در اعصار باستان برای دوره ای کوتاه اینگونه اعتقاد بتوسط پیامبری بنام ادریس بر بشریت عرضه شد. مهر برین دو بار پیش از این در قالب دو پیامبر معظم در دنیای شما حضور یافت که یکی از آنها ادریس و دیگری الیاس بود. حال در این سومین ظهور شهریار ولی کاری میکنیم که عشق با قدمهای فرزند عالمگیر گردیده نور ما پروردگار بر بخش عمده ای از بشریت افشانده شود. تثلیث مسیح مربوط به گذشته است و شهریار ولی ین آئین را منسوخ و پاکدینی را بنا بر خواست ما پروردگار جایگزین سازد. عشق شهریار ما را در دل گذارید و بدانید که با چنین کاری خوشنودی ما را بدست آورده راه رستگاری را بر خود همواره ساخته اید. عالم اینرا بداند...